

ذوالفقارخان در دستگاه حکومتی تهران منزلتی یافته بود، میان وی و یغما رابطه‌ای خوب برقرار شد. نزدیکی این دو سبب آشنایی یغما با حاج میرزا آقاسی وزیر شد و پس از چندی آقاسی به یغما ارادت یافت و حکومت کاشان را به او واگذار کرد (اتراقرینان، ذیل «یغما جندقی»). وی در همین هنگام هجویه‌ای با نام «خلاصه‌الافتضاح» سرود که در آن از شاه‌بازی و شراب‌خواری شماری از بزرگان سخن رانده بود. در پی آن از سمتش برکنار و حکم شلاق زدن وی صادر شد. بعد از آنکه اموالش مصادره شد، تخلصش را از «مجنون» به «یغما» تغییر داد (آرین‌پور، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ریپکا، همان‌جا). در منابع درباره‌ی این دوره از زندگی او به گونه‌ای دیگر نیز سخن رفته است؛ گفته‌اند که او از اسم‌نویسی اجباری در قشون سرباز زد و به همین روی، مدت‌ها تحت تعقیب بود و به مدت شش سال از آزارهای ذوالفقارخان رنج می‌کشید. این دوزان از زندگی او با مجازات‌های بدنی خوار کننده، زندانی شدن و مصادره‌ی دارایی پایان گرفت.

ریپکا از روآوردن یغما به تصوف سخن رانده و آورده است که وی شش ماه پس از آزاد شدن از زندان، چوب‌دستی درویشان را به دست گرفت و سال‌ها سرگردان از شهری به شهری سفر کرد و زمانی به زادگاهش بازگشت که خبر درگذشت ذوالفقارخان را شنید. وی پس از چندی به تهران رفت و از همراهی‌های حاج میرزا آقاسی برخوردار شد. حاج میرزا آقاسی، که به تصوف گرایش داشت، یغما را به مرشدی خود برگزید. به نوشته‌ی ریپکا، یغما پس از سرودن هجویه و ترک اجباری کاشان، بار دیگر به سفر پرداخت و از همراهان محمدشاه در سفر هرات بود. گویا یغما تا پایان زندگی از آزار حاکمان در رنج بود؛

میرزا ابوالحسن (۱۱۹۶-۱۲۷۶ق)، معروف به یغمای جندقی و متخلص به «مجنون»، شاعر، خطاط و نویسنده‌ی پارسی‌نویس ایرانی است.

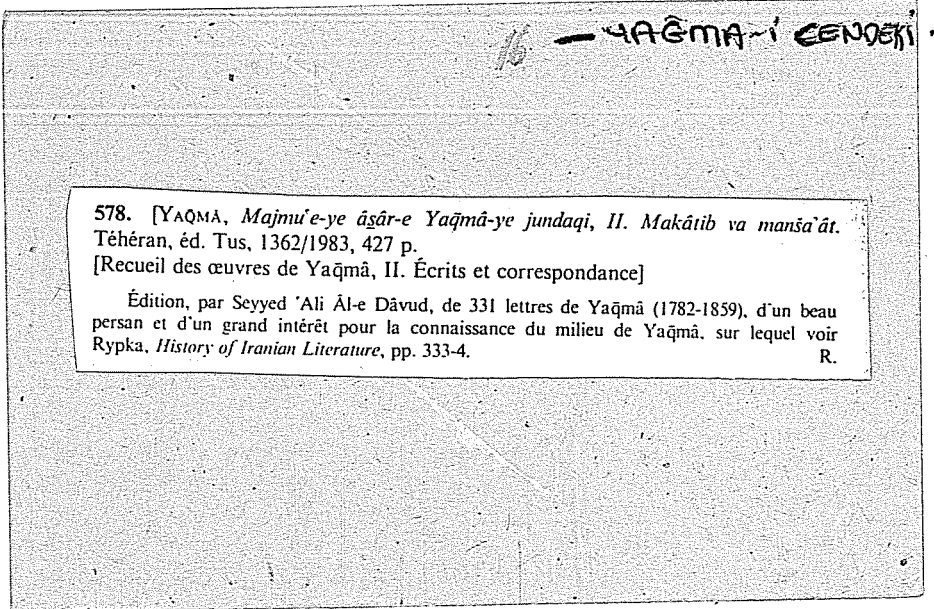
در خور، مرکز جندق و بیابانک، زاده شد و نامش را رحیم گذاشتند. در کودکی به گله‌داری پرداخت و روزگارش در فقر گذشت. سال‌های بعد زندگی وی نیز با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بود و به نوشته‌ی ریپکا «در روزگار شترچرانی‌اش، بی‌گمان آزادانه‌تر از روزگار بعدی زندگانی خود نفس می‌کشید». می‌گویند هنگامی که هفت سال بیشتر نداشت، امیر اسماعیل خان عامری، حاکم ولایت یغما، او را با خود همراه برد. یغما در دستگاه اسماعیل خان عامری به فراگیری دانش پرداخت و سپس منشی وی شد (ریپکا، ج ۱، ص ۵۸۹؛ لغت‌نامه، ذیل «یغما»). در همین روزگار به شاعری روی آورد و، به سبب خصلت شورشی‌اش، تخلص «مجنون» برگزید. پس از چندی، حکومت جندق و بیابانک به دست سردار ذوالفقارخان سمنانی افتاد. وی مدتی در دستگاه ذوالفقارخان سمت دبیری داشت و گفته‌اند که برای تفریح او اشعاری مستهجن، با نام «سردارینه»، می‌سرود (براون، ج ۴، ص ۲۹۲؛ بیانی، ج ۳، ص ۹۷۱).

در ۱۲۲۳ق افغان‌ها به خراسان حمله کردند و ذوالفقارخان برای مقابله با آنان فرستاده شد. نایب‌الحکومه جندق و بیابانک، که از مجنون ناسازگار دل‌پرخونی داشت، وی را به جنگ به افغان‌ها فرستاد. سرانجام ذوالفقارخان در جنگ پیروز شد و نزد فتحعلی‌شاه عزت یافت و در نتیجه یغما نیز نزد فتحعلی‌شاه محترم شد. این امر دیری نپایید؛ زیرا میان یغما و ذوالفقارخان کدورتی پیش آمد و ذوالفقارخان یغما را حبس و شکنجه کرد. بار دیگر، زمانی که

حمد رضا شمس اردکانی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ISAM DN. 260936

- افشار، ایرج. "چهل سال با حبیب یغمایی". آینده، سال ۱۰، ش ۴، (تیر، مرداد ۱۳۶۳): ص ۲۵۹-۲۵۱. ۲۴۷۰
 20 EKIM 1993, YAĞMĀ'İ CENDEKİ(?)
- "خاطراتی از مدیر مجله یغما برگزیده و برگرفته از میان نامه‌های او". آینده، سال ۱۰، ش ۴، (تیر، مرداد ۱۳۶۳): ص ۲۹۵-۲۸۵. ۲۴۷۱
- "زندگینامه و فهرستنامه آثار حبیب یغمایی". آینده، سال ۱۰، ش ۴، (تیر، مرداد ۱۳۶۳): ص ۲۸۴-۲۸۰. ۲۴۷۲
- "یاد حبیب". آینده، سال ۱۰، ش ۴، (تیر، مرداد ۱۳۶۳): ص ۲۶۰-۲۷۹. ۲۴۷۳
- اشعار و نوشته‌ها دریادبود حبیب یغمایی.



Yağmā-yi Cendeki

14 PAZIRAN 1993

Browne
 L. Hist. Persia
 337 nd.

891.59

19 EKIM 1000

صالح علی پاشا، غلامحسین یوسفی، علی آل داؤد. "یادهای دیگر از حبیب یغمایی". آینده، سال ۱۰، ش ۱۱، (دی، بهمن ۱۳۶۳): ص ۷۳۵ - ۷۴۸، ۷۴۷. ۲۵۷۵
 YAĞMĀ'İ CENDEKİ

YAĞMA-I CENDEKI

20 EKİM 1993

KAZARYAN, R.S. : Yagma Dzhandaki 1782-1860. *Literatura Vostoka*, 1969, pp. 101-106.

26 EYLÜL 1996

3408. **Yağmā, Abū'l-Ḥasan:** [Sammlung Yağmā, Abū'l-Ḥasan] Mağmū'a-i ātār-i Yağmā-i Gandaqī / ba-taṣḥīh wa ihtimām-i 'Alī Al-Dāwūd. – Tihrān : Intiṣārāt-i Tūs. – (Intiṣārāt-i Tūs ; ... YAĞMA-I
CENDEKI
- Inhalt: Werke. – In arab. Schr., pers. 32 A 4158
1. Dīwān-i aš'ār. – Čāp 2. – [1988] = 1367 h.š. – 556 S. – (... ; 218)
- In arab. Schr., pers. 32 A 4158-1
2. Makātib wa manṣa'āt. – Čāp 1. – [1983] = 1362 h.š. – 16, 424 S. – (... ; 242)
- In arab. Schr., pers. 32 A 4158-2



انتقاد کتاب

غلامحسین یوسفی

سر نو شمس

دیوان حبیب یغمایی

از انتشارات مجله یغما ، تهران
۱۳۵۱ ، شش + ۳۵۷ ص .

هیچکس را مگر پیامبران

شرف رقیبت سخنور ، نیست

گر پیامبر نشد ، سخنور هست

ور سخنور نشد پیامبر نیست

(۶۲)

این روزها نسخه‌ای از دیوان حبیب یغمایی بدستم رسید گرامی تهران را در سایه لطف شعر او بر خود هموار میکنم . حبیب یغمایی شاعری است توانا و نویسنده‌ای با نثری فصیح و استوار که بنظر بنده قدرش مجهول مانده است . شعر یغمایی بطور کلی شعری است سنتی یعنی شاعر در قالبهای : قصیده ، غزل ، قطعه ، مثنوی ، رباعی و چهارپاره افکار و عواطف خود را بیان کرده است حتی در برخی از اشعار قدیم وی مانند سفر (۳۵) ، نوروز (۸۳) ، شرایط مسافرت (۸۹) ، مناعت (۱۶۸) و جشن جمشیدی (۳۱۷) تأثیر پیشینیان مشهود است . منتهی شعر او طراوت و زیبایی خاص خود را دارد که نمودار قرینه لطیف و هنرمندی گوینده است .

نکته مهم آنکه یغمایی در شعر خود بسیار صمیمی است . انسان حس میکند که شاعر با صداقتی بارز سخن میگوید . حالی داشته و چیزی در درونش موج می‌زد و در غوغا بوده که بی اختیار بصورت کلماتی موزون از او تراویده است . نوعی سادگی و صفای روستایی در سروده‌های اوست ، خاصه وقتی که زندگی ساده روستائیان را با شور و اشتیاق تصویر میکند (۱۲۸) یا دلنگ از زندگی شهری و اداری ، به یاد «خوره» و نخلهای بارور آن روزهای خوش و بی بازگشت کودکی و جوانی ناله سر میدهد (۱۵ ، ۲۰ ، ۲۹۰ ، ۲۹۳) .

در پناه تو ای گرامی نخل ای بسا روز کارمیدم من

۱- شماره‌های میان دو قلاب مربوط است به صفحات دیوان

نیم با و کلوخ پخته و خام هر چه بودت به باره چیدم من

تو سر اندر سپهر برده و من سر فرو برده در گریبان
می‌مکیدم ، به مویت آخته دست ، شهد از خوشه های پستانت
واژه‌های محلی مربوط به نام گیاهها ، درختها و مصطلحات خاص ، با آب
و رنگ خود تصاویر روستایی را در شعر او کامل میکند . ای کاش آنها را در این
دیوان شرح کرده بود .

اصولاً شاعر از شهر و محیط اداره و «به يك جای آرמידن و مزخرف
گفتن و مهمل شنیدن» بیزار است ، از مردمی که کوفیان از آنان بهترند دل خوشی
ندارد . از کوشش و پیشه خویش یعنی نامه نگاری نیز شرمش میآید و که دهد
گنجی و با رنج ستاند درمی ، از اینرو هر گاه سفری و دامن صحرا و بوستانی
دست میدهد طبع حساس او بهیچان میآید . نه تنها وصف ماهان ، کرمان ، قمصر ،
تربت حیدری ، شیراز و رامسر را معتنم می شمارد بلکه بیابانهای خشک و بی آب
و آبدادی خور تا انارک نیز ، با همه ریگهای روان و تازنده شان میتوانند او را
مجدوب سازند و دنیای شعرش را تسخیر کنند .

دل بستگی یغمایی به شهر و دیار خویش از خلال بسیاری از سروده های او
جلوه گریست . بعلاوه هر گوشه‌ای از ایران ، از شمال تا بجنوب ، کرانه های
سرسبز و زیبای دریای مازندران تا ریگزارهای کرمان در چشم او زیباست و
دوست داشتنی و در شعرش اثری از خود بجای نهاده است همچنان که تاریخ
ایران و سرگذشت این ملت و نامورانش .

شعر یغمایی مشتمل است بر احوال و افکار و احساسات گوناگون شاعر در
طول عمر و مطالب بسیار متنوع حتی موضوعات روز و اخوانیت و احیاناً تحسین
رجال دانش و ادب و سیاست . اما در این میان موضوعات اجتماعی و انتقادی جای
خاصی دارد . چگونه شاعری میتواند سال در هفتاد سال اخیر در ایران زیسته ،
نسبت با آنچه در جامعه گذشته فارغ و بی اعتنا بماند ؟

افکار عمیق و حکیمانه نیز جای جای در این دیوان به شعر درآمده که
اکثر توأم است بانوعی تلخکامی و احیاناً بدبینی . از آن جمله است ناامیدی
شاعر از چیرگی نیکی بر بدی و انتساب کار زشت و نیک به «سر نوشت» (۵۲) .

۱- نیم با : دانه خرما که نیم پخته باشد .

۲- کلوخ : دانه خرما که ناپخته باشد .

179. HAAG-HIGUCHI, Roxane. « Religion in public and private life: the case of Yaghmā-yi Jandaqī (1781-1859) », in: Robert Gleave, ed., *Religion and Society in Qajar Iran*. Londres et New York, Routledge Curzon, 2005, pp. 195-210.

Surtout connu pour ses œuvres littéraires, et notamment pour ses élégies liées aux commémorations shiïtes, Yaghmā était, par profession, un secrétaire dans l'administration régionale (essentiellement à Kāshān et Semnān). L'A. nous fournit d'intéressantes mises au point sur sa vie (biographical synopsis), ses affinités religieuses (Yaghmā's religiosity in tadhkiras and biographies). Elle utilise ses « lettres privées » pour mesurer l'importance de la religion dans la vie d'un littérateur laïc de l'Iran Qajar. Bien que certaines nous informent sur son attitude envers le soufisme, les drogues, les rêves, elle ne peuvent être considérées comme des confessions intimes. Elles ne transgressent pas « les limites de ce qui est généralement accepté dans la société ». Ces lettres nous informent cependant utilement sur le discours laïc conventionnel sur les affaires religieuses.

J.C.

ABSTRACTA IRANICA: Supplement a la Revue Studia Iranica,

vol..XXVIII, 2005 TAHRAN. pp. 103

Yaghma-i Cendeki

Yaghmā, Mirzā Abu 'l-Ḥasan (b 1782 Khūre Biyābānak, near Yazd, d 1859 *ibid.*), Persian poet. His life and work correspond to the troubled atmosphere of Iran in those years. Coming from the country, as a young man he became secretary to an important noble. Against his will he entered the army, becoming a general's scribe. Six years later he was framed by envious enemies and sent to prison, his property being confiscated. On his release he wandered about the country as a dervish and visited many of the holy places. Settling in Teheran, for a time he was the spiritual adviser of the all-powerful vizier, Ḥājī Mirzā Āqāsī, and later governor of the province of Kashan. Here his sense of justice again roused the enmity of powerful men, and he was removed from office, probably taking up his dervish staff again. Nothing is known of the last years of his life. As a poet he was one of the most striking personalities of the first half of the 19th century, famous mainly for two contradictory sides of his work. His satires on his personal enemies and on social injustice were often unrestrained in their choice of expression. Written in *ghazal* form (qv), they are arranged in cycles on individual subjects, eg the well-known *Sardāriyye* against the general under whom the poet served. At the other end of the scale are his lovely philosophical and religious elegies, in simple and sometimes even colloquial language. Yaghmā appears to have invented the form of elegy known as *Nouḥeye sinezani* (Lamentation Accompanied by Beating of the Breast); it was often imitated by the revolutionary poets of the late 19th century. Yaghmā also wrote traditional *ghazals*, *robā'is* and *qit'a* (qqv) and a collection of letters where the attempt to avoid Arabic expressions is even more marked than in his poetry.

BLHP IV 337-44; RHIL 333-4.

VK

DICTIONARY OF ORIENTAL LITERATURES, ed. JIRI BECKA
c. III, () LONDON. s. 194

Věra Kubičková

02 NISAN 1991

important tribal elements of the Ǧarluǧ confederation; see the discussion of these views by P.B. Golden, in D. Sinor (ed.), *The Cambridge history of early Inner Asia*, Cambridge 1990, 355-7, see also Golden, *An introduction to the history of the Turkic peoples. Ethnogenesis and state-formation in medieval and early modern Eurasia and the Middle East*, Wiesbaden 1992, 201. The Yaghma would have still remained a distinct body within the Ǧarluǧ Ǧaghanate, although Golden notes that it is somewhat strange that al-Kāshgharī, himself writing under the Ǧarakhānids (and frequently mentioning the Yaghma in other connections) nowhere links the rulers of the Ǧarakhānids specifically with the Yaghma or Ǧarluǧ.

After the Ǧarakhānid and Saldjūk periods, the Yaghma seem to drop out of historical mention.

Bibliography: In addition to references given in the article, see J. Marquart, *Über das Volkstum der Komanen*, in *Abh. Akad. der Wiss. in Göttingen*, philos.-hist. Kl., N.F. xiii, no. 1, Berlin 1914, 93-5.

(C.E. BOSWORTH)

YAGHMĀ DJANDAĶĪ, the *takhalluṣ* or pen-name of the Persian poet Mīrzā Abu 'l-Ḥasan Raḥīm (ca. 1196-1276/ca. 1782-1859), often called by his fellow-poets *Ǧahba-zan* "whore" from the expression repeated monotonously in his obscene verse.

He was born at Khūr in the Djandaḳ oasis in the central desert of the Dasht-i Kawīr, roughly half-way between Yazd and Simnān. He began his life as a camel-herd but by the age of seven his natural gifts had been noticed by the owner of the oasis, Ismā'īl Khān 'Arab-i 'Āmirī, whose secretary (*munshī-bāshī*) he ultimately became. His first nom-de-plume was Maḍj-nūn. In 1216/1802 Ismā'īl Khān, after a rising against the government, had to flee to Khurāsān, while Djandaḳ was occupied by Dhu 'l-Fiḳār Khān, representative of the governor of Simnān and Dāmghān. Yaghmā was forcibly conscripted as an ordinary soldier but at Simnān his gifts obtained him the post of secretary to the governor. In 1223/1808 as a result of a false charge, the poet received the bastinado and his property was handed over as plunder (*yaghmā*) by the soldiery. The poet's innocence was proved and he regained his freedom but the act of injustice had embittered him. He then assumed the pen-name of Yaghmā and composed a scurrilous satire, *Sardāriyya*, on Dhu 'l-Fiḳār Khān. Exiled, he wandered in Persia and via Baghdād and Yazd reached Tehran, where fortune shone upon him again and he gained the good graces of Ḥādjdjī Mīrzā Akāsī, the first minister of Muḥammad Shāh Ǧādjār. Yaghmā was appointed *wazīr* to the governor of Kāshān, but a new satire (*Khulāṣat al-ifṭidāh*) against a family of Kāshān notables caused him to be ostracised again and he was denounced as a *kāfir* from the pulpit of the mosque. His wandering life was resumed. We know that he accompanied Muḥammad Shāh to Harāt. He only returned to his native land as an octogenarian to die at Khūr on 16 Rabī' II 1276/16 Nov. 1859 and was buried near the tomb of Sayyid Dāwūd.

Yaghmā's works in prose and verse were collected in his *Kulliyāt* and published at Tehran (?) in 1283/1866 with a preface by Ḥādjdjī Muḥammad Ismā'īl (389 fol. pp.).

Yaghmā practised all varieties of verse, and his poems (*ghazal*, *riḥā'*, *ḳiṭ'a*, *tardjī-band*) show a great mastery of language and form. The most original part perhaps of his work is in the field of funeral chants (*nawḥa-yi sīna-zanī*) which he invented. They were obviously intended for the public lamentations in Muḥarram [see TA'ZIYA]. They are in the form of a *mustazād*

in which each line is prolonged by a refrain which the audience is intended to murmur as a spontaneous echo. These *nawḥas* are composed in simple and unaffected language. E.G. Browne, *LHP*, iv, 340, mentions the popularity of this genre among the poems of the constitutional period (1905-11).

Probably not well acquainted with Arabic as a result of his defective education, Yaghmā employed in his prose letters a simple Persian style (*fārsī-nigārī*) with a minimum of Arabic loan words; he is thus a precursor of 20th-century attempts, especially under the Pahlawīs, at evolving a Persian purged of extraneous elements. He also extensively annotated his personal copy of the *Burhān-i ḳāfi* dictionary, the ms. of which was handed down to his family. Yaghmā's most characteristic work however, was his satirical, slanderous and obscene poetry, his *hazliyyāt*. They have been viewed as denunciations of contemporary society, but other critics have merely seen them as expressions of personal grievances. In his mixture of ribaldry and simple piety, as expressed in his *nawḥas*, Browne suggested Verlaine as a modern European parallel. Yaghmā also wrote verses in his native dialect of Khūr.

Bibliography: 1. Works. In addition to the *editio princeps* of 1283/1866, repr. Tehran 1339/1960, the *Ghazaliyyāt* and *Sardāriyya* were ed. Muḥ. Ḥusayn Ṭabarī, Tehran 1337/1958.

2. Studies. Ridā Kulī Khān, *Maḍjma' al-fuṣḥā'*, ii, 580; Ḥabīb Yaghmā'ī (grandson), *Sharḥ-i ḥāl-i Yaghmā*, Tehran n.d. (ca. 1927?) (originally publ. in the journal *Armaghān*, v); Browne, *LHP*, iv, 337-44; Rypka *et alii*, *History of Iranian literatures*, Dordrecht 1968, 333-4. (V. MINORSKY*)

YAGHMĀ'Ī, ḤABĪB (b. Khūr, 17 December 1898, d. Tehran, 14 May 1984), Persian poet and literary editor.

A descendant of the early Ǧādjār poet Yaghmā Djandaḳī [q.v.], Ḥabīb Yaghmā'ī was born in the small town of Khūr near Djandaḳ and Biyābānak in the central desert of Persia. He first studied with his father, Ḥādjdjī Asad Allāh Muntakhab al-Sādāt Khūrī, and subsequently left Khūr in 1916-17 for the nearby towns of Dāmghān and Shāhrūd in order to pursue his education. In Dāmghān he studied at the Nāzim-iyya school founded by 'Abd Allāh Yāsā'ī in 1917. In 1921 he went to Tehran and enrolled first in the Alliance school and, a year later, in the Teachers' Training College (Dār al-Mu'allimīn-i 'Ālī). This period is further marked by Yaghmā'ī's entry into Tehran literary circles. In 1923 he joined the Literary Society of Iran (*Andjuman-i Adabī-yi Irān*) and in the following year he began his collaborations with the literary section of the radical paper *Tūfān* published in Tehran by Muḥammad Farrukhī Yazdī [q.v.]. In 1927-28 Yaghmā'ī studied at the School of Law and Political Science (later a Faculty of Tehran University). He returned to Khūr in 1928 as the head of the Birth Registry Office there; in the same year he took charge of the Office of Education and Endowments (*Awḳāf*) of Simnān. In 1930 Yaghmā'ī began teaching Persian literature at different high schools in Tehran, including the Dār al-Funūn. In 1934 he joined the Publication Department of the Ministry of Education. From 1943 to 1946 he was the editor of *Nāma-yi Farhangistān*, the organ of the Iranian Academy, and in 1944 he became an editor (for volumes 14, 15, and 23) of *Āmūzish wa Parwarish*, a cultural and educational journal. In 1948 he launched his own literary and historical journal, *Yaghmā*, which was published regularly for thirty years (1948-79). In the same year

1984
1984
1984

انجام: وظیفه این مقام است چنانکه علی خیر داد العجز عن
درک الادراک
[فهرستواره منزوی ۴۸۱/۷]

خط: نستعلیق، بی کاء، بی تا [الفیائی: ۲۰۷-]

سر سخاب رمل < رمل سرخاب

تهران؛ ملی؛ شماره نسخه: ۲۲۷/۳

آغاز و انجام: برابر

خط: نستعلیق ریز، کاء: محتملاً محمد بن شیخ علی، تا: قرن ۱۰؛
کاغذ: دولت آبادی، جلد: تیماج مشکى، ۶۹ص، ۱۷ سطر
(۹/۵×۵/۵)، اندازه: ۱۰/۵×۹/۵سم [ف: ۲-۲۳۳]

● سر الخلقه / کبیا / فارسی

serr-ol xelqa

بلیناس حکیم، ۴۴۰ - ۱۲۰؟ میلادی

balinās-e hakīm (40 - 120)

در صنعت کیمیاست، با رمز و اشاره و بدون ابواب و فصول.

قم؛ موعشی؛ شماره نسخه: ۱۴۴۷۹/۷

آغاز: بعد الحمد و الصلوة، میگوید من بدرستیکه او زمانیکه ...

فلک را نو دور نو فلک و مخلوط؛ انجام: بتحقیق خبر دادم من

بعثت اجساد طلائی آنچنانی که بخارج میشود از مغان زمین

خط: نستعلیق، بی کاء، تا: قرن ۱۳؛ کاغذ: فرنگی، ۲۰گ (۸۳-)

(۱۰۲)، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۵/۵×۹/۵سم [ف: ۳۶-۴۷۰]

سر الخلوه < الخلوه

سر الخلیقة و صنعة الطیبة < صنعة الطیبة و سائر الخلیقة

● سرخی که در آسمان پدید آید / هیئت / فارسی

sorxi ke dar āsemān padīd āyad

مشهد؛ گوهرشاد؛ شماره نسخه: ۶۵۴/۱۲

بندی در سرخی که در آسمان پدید آید؛ خط: نستعلیق شکسته،

بی کاء، تا: قرن ۱۳؛ مهر: حاج سید سعید؛ کاغذ: فستقی و نخودی،

جلد: تیماج قهوه‌ای، ۱۱-۱۶ سطر (۱۵/۵×۱۲)، اندازه:

(۱۵×۲۰)سم [ف: ۲-۷۶۵]

● سرداریه = قصیده سرداریه = دیوان سرداریه / شعر /

فارسی

sardāriye = qasīde-ye sardāriya = d.-e sardāriye

یغما جندقی، ابوالحسن بن ابراهیم قلی، ۱۱۹۶ - ۱۲۷۶

قمری

yaqmā jandaqī, ab-ol-hasan ebn-e ebrāhīm qolī (1782 -

1860)

منظومه‌ای است که یغمای جندقی در هجو سردار ذوالفقار

● سر الخطاب فی تفسیر الکتاب / تفسیر / عربی

sirr-ul xiṭāb fi tafsīr-il kitāb

شریعتمدار، محمد حسن بن جعفر، ۱۲۴۹-۱۳۱۸ قمری

šarī'atmadār, mohammad hasan ebn-e ja'far (1834-1901)

این تفسیر مفصل که ما اینک جلد اول آن را در دست داریم،

گویا بیشتر به گفته‌های ائمه علیهم السلام نظر دارد و در هر

موضوع روایت مربوط را نقل می‌کند. جلد حاضر شامل

مقدمات تفسیر می‌باشد با این عناوین: الأمر الأول: فی ذکر القراء

السبعة المشهورین؛ الامر الثاني: فیما يجب و يستحب فی القراء؛

الامر الثالث: فی معانی أسماء القرآن و السور و غيرها؛ الامر

الرابع: فی اعجاز القرآن و بیان وجوه؛ الامر الخامس: فی کیفیة

جمع القرآن.

قم؛ موعشی؛ شماره نسخه: ۷۶۳۶

آغاز: الحمد لله الذي جعل كتابه فرقاً بين حلاله و حرامه

و قرآناً أعرب به عن شرائع أحكامه و مهيمناً على كل كتاب أنزله

خط: نسخ، کاتب = مؤلف، بی تا؛ مصحح؛ جلد: تیماج قهوه‌ای،

۲۱۷گ، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۷/۵×۲۲/۵سم [ف: ۲۰-۴۰]

● سر خفی و ذکر و.. / سیر و سلوک / فارسی

serr-e xafi va zekr va..

تهران؛ ملک؛ شماره نسخه: ۴۰۵۷/۱۰۴

خط: شکسته نستعلیق، کاء: محمد زمان بن کلیعلی مطب

خراسانی، تا: قرن ۱۳؛ ۲گ (۱۸۹پ - ۱۹۰پ) [ف: ۷-۱۹۲]

● سر الخلافة / عرفان و تصوف / فارسی

serr-ol-xelāfa

محمد بن شیخ علی، ق ۱۰ قمری

mohammad ebn-e šayx 'alī (- 16c)

تاریخ تألیف: سه‌شنبه ۲۸ ربیع الاول ۹۰۴ق

در این رساله از خلقت آدمی و اینکه آدمی نقاوه موجودات

است بحث مفصل به میان می‌آید و سپس از سلوک انسانی

سخن به میان می‌آید و از تجلیات ذات بحث می‌شود و در

تجلیات نیز انواع آن ذکر می‌گردد که حاوی اطلاعات دقیقی

در اصطلاحات عرفانی است.

آغاز: بسم‌الله، الحمد لله الذي رشح الجوهر القدسی للترقی الی

ذروة الکمال و وشحه بزینة التخلق للتمسک بعروة الجمال.

تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۲۵۵۹

مشمول است بر: ۱. مثنوی گلشن فردوس، که ناتمام است، نام این مثنوی مکرر ضمن ابیات نسخه تصریح شده است: «نی گل بستان بهار و خزان» گلشن فردوس گشا جاودان»، عنوان های مطالب این مثنوی بدینقرار است: توحید، نعت رسول (ص)، معراج، التجا بامید شفاعت بحضرت رسالت، منقبت شاه ولایت، منقبت قائم آل محمد و تمنای ظهور، مدح فتحعلیشاه، النفس الاماره بالسوالاما رحم ربی، حکایت خارکش، یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الایه ربک راضیه مرضیه، حکایت زاهد پر تلیس، باعث تصنیف این کتاب و حکایت خواب دیدن، اندر تعریف سخن، آغاز: «حمد خداوند رقم کش قلم» فاتحه سر دفتر لوح قدم، انجام: «نور بظلمت برم و آورم» شیر شیران کشم و غم خورم»، ۲. مثنوی یوسف و زلیخا، شامل یک مقدمه نثر در یک صفحه و یک مقدمه منظوم در توحید و نعت و ساقی نامه و وصف هندوستان و توصیف عشق و پس از آن داستان یوسف و زلیخا رویهم ۳۲۵۰ بیت است، آغاز مقدمه: «حمد بیحد لایزالی را سزد که خم و خمخانه فیض سحابش ...»، آغاز مثنوی: «الهی گوهر مقصود بنمای» بطور دل تجلایی بفرمای، انجام: «گسسته از کس و ناکس بجانان» بجان پیوست بسته رشته جان»، ۳. دیوان قصاید، بدون آغاز و پایان، شامل ۱۷ قصیده در توحید و مدح پیغمبر (ص) و علی (ع)، آغاز: «خنجر کشیده صبح بصدور عدوی تو» ننگشوده چشم میزندش نشتر آفتاب»، انجام: «آری چو دعای شه سحرگاه» چون صبح سفید رو سفیدید»، خط: نستعلیق، بی کاه، تا: قرن ۱۴، مجدول، با سرلوح؛ مهر: «سلام علی ابراهیم»؛ جلد: تیماج، ۱۸۸ص، ۱۴ سطر در متن و ۳۰ سطر درحاشیه (۲۲×۱۵)، اندازه: ۲۳×۱۶سم [ف: ۸-۲۶۲]

● کلیات / ادبیات / فارسی

kollīyāt

یغما جندقی، ابوالحسن بن ابراهیم قلی، ۱۱۹۶ - ۱۲۷۶ قمری

yaqmā jandaqī, ab-ol-hasan ebn-e ebrāhīm qolī (1782 - 1860)

چاپ: مجموعه آثار یغمای جندقی، به کوشش سید علی آل داود، انتشارات توس، ۱۳۵۶ش و چاپ سنگی کلیات یغما در ۱۲۸۳ق به سعی و اهتمام اعتضادالسلطنه، و دیباچه حاجی محمد اسمعیل ۳۹۰ص، رحلی

تهران؛ دائرة المعارف؛ شماره نسخه: ۲۸۷ عکسی

اصل نسخه: آستان قدس شماره ۴۶۶۰. شامل: ۱. نامه، ۲. نامه، ۳. دیوان یغما، ۴. دیوان قائم مقام، ۵. سرداربه، ۶. باخ باخیه، ۷. قصایه، ۸. خلاصه الافصحاح؛ خط: نستعلیق، بی کاه، تا: شوال ۱۲۶۱ق، حسب خواهش قبله گاهی عباسقلی آقا؛ ۲۳۱گ

آمده است، آغاز: «دوشم ندا رسید ز درگاه کبریا» کای بنده کبر بهتر ازین زهد با ربا»، انجام: «فتحی از نو نموده روز بروز» ملکی از نو گشوده ماه بماه»، خط: نستعلیق کتابتی، بی کاه، تا: قرن ۱۳؛ جلد: تیماج مذهب، ۵۱۶ص، ۱۴ سطر در متن و ۲۸ سطر درحاشیه (۲۵×۱۳)، اندازه: ۲۹×۸سم [ف: ۸-۳۴۷]

۳. تهران؛ ملی؛ شماره نسخه: ۲۴۸۲

آغاز: بسمله، توانا خداییکه بیخودان بزم محبت گاهی مست قدرت اویند؛ انجام: خیاط صفت لباس الفت ببریم» من از گز کیر و توز مقراض دولنگک شامل: قصائد منظم شده بر حسب ترتیب حروف الفبائی آخر قوافی، «ترکیب بند»، «غزلیات» مرتب بر حسب حروف الفبائی قوافی، «مقطعات»؛ خط: نستعلیق، کاه: محمد بن محمد، تا: ۱۲۶۵ق، جا: شیراز؛ اهداء به: محمد مهدی خان قاجار، با سرلوح مذهب، مجدول؛ جلد: تیماج، ۲۵۰گ، ۱۴ سطر (۱۶×۹)، اندازه: ۲۹/۵×۱۹/۵سم [ف: ۵-۶۵۵]

۴. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۲۶۱۱

آغاز: دوشم ندا رسید ز درگاه کبریا» کای بنده کبر بهتر ازین زهد با ربا؛ انجام: خاک قدمت باد چو روی من و گردون» پر آبله از بوسه شاهان فلک فر شامل قصاید قاتنی که به ترتیب الفبائی مرتب شده، حدود ۵۶۰۰ بیت؛ خط: نستعلیق، کاه: آشتیانی، محمد تقی بن عبدالعظیم، تا: ۱۲۶۹ق؛ جلد: تیماج مذهب، ۲۴۸ص، ۲۳ سطر (۱۴/۵×۷)، اندازه: ۲۰×۱۲/۵سم [ف: ۸-۳۴۸]

۵. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۵۵-فیروز

دارای: ۱. پریشان نامه، ۲. نامه ای پارسی، ۳. دیوان؛ خط: نستعلیق، بی کاه، تا: ۱۲۷۱ق؛ دارای دو سرلوح (با نقاشی و ریزه کاریهای بسیار)، مجدول، مصحح؛ جلد: روغنی مذهب، ۵۳۴ص، ۱۹ سطر، اندازه: ۲۳×۱۵/۵سم [ف: ۲۱-۱۶۲]

۶. تهران؛ مفتاح؛ شماره نسخه: ۷۹۹

خط: نستعلیق، بی کاه، تا: قرن ۱۴؛ مهر: «ابوالقاسم»؛ قطع: ربعی [نشریه: ۷-۲۱۲]

۷. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۴۲۴

آغاز: توانا خدائی که بیخودان بزم محبت گاهی مست قدرت اویند و گاهی مست رحمتاو چه هر چشمی مشتمل بر پریشان و قصائد و غزلیات و قطعات و ترکیب بند؛ خط: نستعلیق، بی کاه، بی تا؛ دارای چهار سرلوح، محشی، مذهب و مجدول؛ ۲۴۷گ، ۱۴ سطر، اندازه: ۲۹×۱۹سم [ف: ۲-۲۴۶]

● کلیات / شعر / فارسی

kollīyāt

همایون میرزا قاجار، - ۱۲۷۳ قمری

homāyūn mīrzā qājār (- 1857)

فهرستگان: نسخه های خطی ایران (نخ)؛ جلد بیست و ششم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران

DIA 276264

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۲۰۱۳

d.-e ya'qūb-e kermānshāhāni

یعقوب کرمانشاهانی، - ۱۲۹۲ قمری

ya'qūb-e kermānshāhāni (- 1875)

تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۸۱۷۳/۲۷

آغاز: هر کسی فصل بهاران ترک جام می آکا xx نو بهار عمر شیرینش و صرف می آکا؛ انجام: همسران خالق خوانی سیدم کامی پختت xx مژوره زین وز کاراما نرفته طی آکا
اشعاری کردی است با عنوان «کردی، سید یعقوب مرحوم» که منظور همان سید یعقوب کرمانشاهانی است. وصف او را منحصرأ در حدیقه الشعرا دیوان بیگی می یابیم. از وی مقداری شعر نیز در صفحات ۲۶۹-۲۷۰ و نیز ۵۵۸-۵۶۰ با عنوان «اشعار کردی من کلام سید یعقوب کرمانشاهانی» آمده است؛ خط: شکسته نستعلیق، کا: صحبت الله خان ملقب به دبیر همایون، تا: آغاز قرن ۱۴؛ کاغذ: کاهی، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۴ص (۴۴) و ۲۶۹-۲۷۰ و ۵۵۸-۵۶۰، اندازه: ۱۳/۴×۲۱سم [ف: ۲۷/۱ - ۳۲۵]

● دیوان یغمای جندقی / شعر / فارسی

d.-e yaqmā-ye jandaqi

یغما جندقی، ابوالحسن بن ابراهیم قلی، ۱۱۹۶ - ۱۲۷۶ قمری

yaqmā jandaqi, ab-ol-hasan ebn-e ebrāhīm qolī (1782 - 1860)

شاعر ابتدا به «معنون» و سپس به «یغما» تخلص کرده است. نامش در آغاز عمر رحیم فرزند ابراهیم قلی بود و در خور به سال ۱۱۹۶ق زاده شد. از هفت سالگی اسماعیل عرب فتوال جندق او را تربیت کرد و در جنگی که در ۱۲۱۶ق میان اسماعیل و دولت مرکزی رخ داد یغما اسیر سردار ذوالفقار و پس از شش سال که نزد او بود او را با «سرداریه» هجو کرد و به عراق گریخت و سپس به تهران آمد و در ۱۲۷۶ق در گذشت.

چاپ: مشار ۲۳۹۳/۲ نشانی ۵ چاپ؛ کلیات او را اسماعیل تهرانی در یازده بخش گردآورده و به دستور اعتراض السلطنه در ۱۲۸۳ چاپ شده است.

[الذریعة ۱۳۱۳/۹؛ دنا ۴۵۵/۵؛ منزوی ۲۶۱۴/۳؛ مکتبه امیرالمؤمنین ۳۰۹/۱]

۱. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۶۸۲۰/۴

فقط شش قصیده از وی آمده است؛ خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳؛ جلد: تیماج مشکی، ۹گگ (۶۳-۷۲پ)، اندازه: ۲۱×۱۲سم [ف: ۲۰ - ۲۸۵]

۲. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۴۶۰۴/۱۱

سرداریه و باخباخیه که برای شریف خان قزوینی ساخته است و قصایه مورخ ۱۲۶۱ و غزلیات به همین تاریخ؛ خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳؛ کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج سرخ، ۱۱ص (۷۹-)

(۱۸۳-۲۰۳)، ۱۵ سطر (۱۳×۷)، اندازه: ۲۲×۱۳سم [ف: ۱۴ - ۳۷۰۶]

● دیوان یحیی / شعر / فارسی و ترکی

d.-e yahyā

تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۲۹۶۵/۱

آغاز: بنام خداوند افلاک و خاک xx برازنده گوی چوگان تاک / نگارنده قبه آبگون xx حباب آور ساغر سرنگون / جلابخش آینه جان و دل xx لطافت ده طینت آب و گل
از یحیی ترک شاعر عثمانی و همزمان سلطان عثمانی خان در غزل و قصیده به ترکی، آغاز: «بنام خداوند افلاک و خاک xx برازنده گوی چوگان تاک / نگارنده قبه آبگون xx حباب آور ساغر سرنگون / جلابخش آینه جان و دل xx لطافت ده طینت آب و گل». از این پس ترکی است، پس ازین تا ۳۸ شعرهای ترکی عطایی و جلابی است و یک بیت از گل صد برگ نوعی افندی به ترکی (۳۹ر). پس از این بندی است به نثر ترکی و شعرهای ترکی یحیی و ساقی نامه قسمی به فارسی و شعر ترکی فهیما و نفعی تا ۷۲پ؛ خط: نستعلیق ترک، بی کا، تا: قرن ۱۱؛ کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج حنایی، ۲۳گگ (۲-۳۵پ)، ۱۹ سطر (۱۷×۹)، اندازه: ۲۰×۱۱/۵سم [ف: ۱۰ - ۱۸۶۵]

● دیوان یحیی بن احمد اخفش / شعر / عربی

d.-e yahyā ebn-e ahmad-e axfaš

اخفش، یحیی بن احمد

axfaš, yahyā ebn-e ahmad

تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۸۸۲۹/۴

قصیده؛ خط: نسخ، کاتب = مؤلف، تا: با تاریخ ۱۲۰۱ق؛ کاغذ: فرنگی نخودی، جلد: میشن عنابی، ۱گگ (۶ر)، ۲۵ سطر (۲۳/۵×۱۴/۵)، اندازه: ۳۱/۷×۲۲سم [ریایانه]

● دیوان یزدی / شعر / فارسی

d.-e yazdī

یزدی، مؤمن حسین، ق ۹ قمری

yazdī, mo'men hoseyn (- 15c)

۱. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۹۴۶۶/۲

رباعیات او؛ خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۱؛ ۶ص (۲-۸) [مختصر ف: ۳۸۷ -]

۲. تهران؛ بانکی پورا؛ شماره نسخه: بدون شماره

بی کا، بی تا؛ شماره ۳۳۳، جلد ۳ فهرست [میراث اسلامی: ۵ - ۶۲۷]

● دیوان یعقوب کرمانشاهانی / شعر / کردی

فرستگان نسخه های خطی ایران (فخا)؛؛ جلد پانزدهم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران: سازمان

DIA 276253

اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۲۰۱۳

جلد: حنایی، ص ۱ (۳۶۸) [ف: ۱۰ - ۱۶۹۸]

۲. مشهد؛ گوهرشاد؛ شماره نسخه: ۲۰۶۶/۶

انجام: يقول قوس قزح و قد نهی ان یقال قاموس

اشعار مختلف و فوائد در هیأت و نجوم و تاریخ تولد و درگذشت برخی از بزرگان؛ خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳؛ نیمه از اوراق نانویس می باشد و اشعار در درود بر چهارده معصوم و فایده اول: امهات النبی، فایده چهارم: جمیع الآیات فی الزکاة ورد بلفظ الائتیان؛ کاغذ: نخودی و فستقی آهار مهره، جلد: تیماج قهوه ای، اندازه: ۱۷×۱۰/۵ سم [ف: ۵ - ۴۵۳]

● جنگ / گوناگون / فارسی-عربی

jong

یغما جندقی، ابوالحسن بن ابراهیم قلی، ۱۱۹۶ - ۱۲۷۶

قمری

yaqmā jandaqī, ab-ol-hasan ebn-e ebrāhīm qolī (1782 - 1860)

گویا گردآورده یغمای شاعر که در ص ۵ و ۶ نامه های او است به فرزندان با عبارت «حرره یغما» و تاریخ ۱۲۹۱ و ۱۳۰۱ در آن دیده می شود. چنین است فهرست آن: ۱. یادداشتی از روی خط سرکار آقای معین لشکر درباره طرز عکس انداختن پاپارینان در روز سه شنبه ۴ ربیع الاول ۱۲۹۹ در خانه خود و چگونگی ترکیب داروهای عکاسی نزد او؛ ۲. فرمان ولایت عهد نواب والامیر محمد قاسمخان امیر نظام مورخ ربیع الاول ۱۲۷۴؛ ۳. نامه های یغمای جندقی بنواب و بفرزند خود با عبارت: «حرره یغما»؛ ۴. نامه حاجی محمد علی رئیس تاجر کرمانی؛ ۵. آداب خواندن حرز سید داماد و داروی آبستنی حاجی ترک؛ ۶. نامه شیخ بهایی؛ شیخ بهائی، محمد بن حسین؛ ۷. نامه ای درباره درخواست ورود دو جوان نورسیده به خدمت نظام؛ ۸. نامه فارسی و شعر عربی؛ ۹. رساله فی علم الجفر؛ شیخ بهایی؛ ۱۰. قصیده آقا میرزا لطفعلی متخلص به فانی مورخ ۱۲۸۸ و قصیده عربی سروده برای رضاقلی خان؛ ۱۱. نامه فارسی در لغز ساعت با شرح لغت های آن؛ ۱۲. رباعیات لطفعلی فانی لطفی بطرز باباطاهر مورخ ۱۲۸۹؛ ۱۳. لامیه العجم؛ طغرائی، حسین بن علی؛ ۱۴. شعرهای ابونواس، ابن سینا، صاحب عباد، امرء القیس، سید رضی؛ ۱۵. قصیده های فرزددق و حمیری و دیگری؛ ۱۶. نامه فارسی مورخ ۱۹ شعبان ۱۳۰۱ و خطبه نکاح به فارسی؛ ۱۷. دو نامه فارسی و خطبه نکاح عربی؛ ۱۸. منشآت قائم مقام؛ قائم مقام، ابوالقاسم بن عیسی؛ ۱۹. نامه حاجی محمد ابراهیم کلباسی به حاجی میرزا آقاسی؛ ۲۰. منشآت میرزا محمد حسین کرمانی و میرزا جعفر ریاض همدانی منشی سفارت انگلیس و حکیم قآنی باردشیر میرزا و میرزا نصرالله فراهانی و میرزا رحیم اصفهانی منشی آذربایجان و میرزا محمد طاهر بهشتی و میرزا نفتی آقا بقایم مقام و فاضل خان گروسی و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط و امین الملک؛ ۲۱. رساله شکوائیه قایم مقام؛ ابوالقاسم بن عیسی؛ ۲۲. سواد قبالة نکاح به فارسی از لطفعلی محمد کاظم تبریزی (مورخ ۱۳۰۱)؛ ۲۳. شعرهای: قآنی، سلمان ساوجی و مشتاق و طوفان و عاشق و کمال اسماعیل و ظهیر قاریابی، مداح

● جنگ / ادبیات / عربی و فارسی

jong

نقوی لکهنوی، حسین بن دلدار علی، ۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ قمری

naqavī lakhānū'ī, hoseyn ebn-e deldār 'alī (1797 - 1857)

مشهد؛ رضوی؛ شماره نسخه: ۲۴۸۰

آغاز: بسم الله. از واضع الاصل نسخ تعلیق؛ انجام: محشی جهت شارح رحمة الله علی
خط: نستعلیق، بی کا، بی تا؛ کاغذ: نخودی، جلد: مقرا با عطف تیماج [رایانه]

● جنگ / گوناگون / فارسی و عربی

Jong

وفا شیرازی، حسنعلی بن علی، ۱۲۲۴ - ۱۲۷۶ قمری

vafā šīrāzī, hasan-'alī ben 'alī (1809 - 1860)
متفرقاتی است در حدیث و تفسیر و کلام و فلسفه و شعر عربی و فارسی و موضوعات ادبی و علوم غریبه و جز اینها. در متن این مجموعه اشعار بسیاری از دیوان متنی انتخاب شده و همچنین قصائد سبع علویات و قصائد سبع معلقات و مقامات حریری و اطباق الذهب و اطواق الذهب آورده شده و مابین سطرها و در حاشیه شرح فاضلاته ای شده است، و روی هم مجموعه ادبی و علمی ممتازی است. مؤلف از دانشمندان شیراز و ظاهراً از مدرسین بزرگ آنجا بوده، مقامات حریری را در پنجاه روز به شاگردان درس داده و آن را تصحیح و شرح کرده است و دارای شعر فارسی و عربی است که مقداری از آنها در همین مجموعه آورده و چنین می نماید که در علوم مختلفه دارای قدرت فراوانی بوده است.

قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۲۴۵۲

آغاز: من بقية رسالة الشكوى - اهلا و سهلا بك من زائر xx كنت الى وجهك مشتاقاً. تبت يدا نخاس جاء بأخبث الناس؛ انجام: سمتاز بکسر اول بوزن گل کار نام بنائی بوده رومی که سدیر و

فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)؛ جلد دهم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران: سازمان اسناد

DIA 276248

و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۳ / ۱۳۹۱

۱. صرف الصحيح و شبهه الحاقا؛ باب ۲. الاجوف؛ باب ۳. الناقص و ما اشبهه الحاقا؛ باب ۴. الحاق نونى التاكيد. آغاز: لا اله عم (غيره؟) اله و لا اله سواه يحمد أحمد مصلياً على السابق بما اصطفاه المكرم بما اجتياه و يقول و هو سكيت نادى الليان سكيت حلتة الرهان لما رأيت قصر أمد المراد أقرب الى نهاية الارشاد رأيت عنان جواد القلم أولى بالصرف نحو قصارى مختصر فى الصرف و هو علم بما سوى الاعراب من حال البناء و أساسها.

انجام: امتنانه ما ظهر من الفساد لقصورى فى بيانه روما للكتاب ان يلتقى طرفاه و يتقارب مفتحه و متناه. و الحمد لله على ما ايدنى فى اخراه و اولاه

[كشف الظنون ۱۳۲۷/۲؛ مشترك باكستان، اسلام آباد ۲۶۵۳/۱۳. شرح به فارسى، ۲۶۷۲/۱۳. ترجمه به فارسى؛ زرکلى ۲۵۴/۱؛ كحاله ۱۷۲/۲]

شرح و حواشى:

۱- شرح القصارى؛ بقال، شرف الدين حسن شاه (۹۰۵-)

۲- شرح القصارى؛ ترمذى، محمد بن محمد

۳- شرح القصارى؛ سجستانى، احمد بن على

۱. خوانسار؛ مدرسه علوى؛ شماره نسخه: ض ۲۳

آغاز و انجام: برابر

خط: نسخ و نستعلیق، کا: محمد بن ابراهيم بن عيسى اوالى، تا: قرن

۱۰، ۱۰ گ (۲۲۱-۲۳۰)، اندازه: ۱۰×۱۵سم [آينه پژوهش:

سال ۲۲-۱۰۴]

۲. تهران؛ عبدالعظيم؛ شماره نسخه: ۷۰۶/۲

آغاز و انجام: برابر

خط: نستعلیق، بی، کا، تا: سه شنبه ۵ رمضان ۱۰۶۱ق؛ مصحح، محشى؛

۱۲ گ (۶۷-۷۸پ)، ۷ سطر، اندازه: ۱۴×۲۰سم [ف: ۲-۵۷۱]

۳. تهران؛ دائرة المعارف؛ شماره نسخه: ۱۵۴/۱

آغاز و انجام: برابر

خط: نستعلیق تحریرى مخلوط به شکسته، کا: محمود، تا: قرن

۱۲؛ ۴ گ (۱-۴پ) [ف: ۱-۱۹۴]

۴. قم؛ امام صادق؛ شماره نسخه: ۱۳۰/۳

آغاز و انجام: برابر

کا: جعفر بن على خوانسارى، تا: ۱۲۲۵ق؛ جلد: تیماج، ۱۴ گ

(۸۵-۹۸)، اندازه: ۱۱×۱۶سم [ف: ۹۹-]

۵. مشهد؛ رضوى؛ شماره نسخه: ۷۹۲۵

آغاز و انجام: برابر

در فهرست ناشناس آمده؛ خط: نسخ ممتاز، بی، کا، تا:

۱۲۶۰ق؛ ۶ گ، ۱۵ سطر [ف: ۱۲-۴۲۸]

۶. تهران؛ سپهسالار؛ شماره نسخه: ۹۶۸/۳

آغاز و انجام: برابر

در فهرست با عنوان «الصرف» و نامعلوم آمده؛ بی، کا، بی تا؛ ۷ ص

(۸۱-۸۷) [ف: ۵-۱۷۲]

انجام: يصلى عليه الله ما رق خضرة xx ربي الارض و استحيت بقطر من الحيا

خط: نسخ، کا: محمد بن عمر، تا: دوشنبه ۲۰ رمضان؛ مصحح، مقابله شده؛ جلد: مقوایى، ۲۳ گ (۸۵-۱۰۸پ)، اندازه: ۲۰/۵×۱۵سم [ف: ۱-۲۰۴]

● قصاید وزیر نظام / شعر فارسی

qasāyed-e vazīr nezām

مشهد؛ گوهرشاد؛ شماره نسخه: ۲۰۶۸/۳

چاپی؛ بی، کا، بی تا [ف: ۵-۴۵۵]

● قصایه / شعر / فارسی

qassābiyye

یغما جندقی، ابوالحسن بن ابراهیم قلی، ۱۱۹۶ - ۱۲۷۶ قمری

yaqmā jandaqī, ab-ol-hasan ebn-e ebrāhīm qolī (1782 - 1860)

آغاز: شد مشتبه ز کعبه به میخانه راه ما xx ای بهتر از هزار یقین اشتباه ما / می در سر و قرابه در آغوش و نام زهد xx واحسرتا که شحنه بر آید ز راه ما

۱. تهران؛ دائرة المعارف؛ شماره نسخه: ۲۸۷/۷-عکسی

آغاز: برابر؛ انجام: به روزگار همی تا بود ز مسجد نام xx همان مناره که کردی بنا به [...]. زنت

نسخه اصل: آستان قدس ش ۴۶۶۰؛ خط: نستعلیق پخته، بی، کا، تا: ۱۲۶۱ق؛ در «کلیات»؛ ۳۱ گ (۱۷۲-۲۰۲) [عکسی ف: ۲-۲۱۴]

۲. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۱۰۹۹۸/۳

آغاز: برابر؛ انجام: به ره تو خاکم اما به سرت کجا گذاری x مگر آن زمان که دانی فلکم به باد داده / دل تیره روز قصاب به دام زلف او بین xx تو به شاخ سرو گویی زغن آشیان نهاده.

خط: نستعلیق، بی، کا، تا: ربیع الثانی ۱۲۶۲ق؛ ۱۵ گ (۴۴-۵۸) [ف: ۲۰-۵۶۸]

● القصارى = التصريف = مختصر فى الصرف / صرف / عربی

al-quṣārā = at-taṣrīf = muxtaṣar-un fi-t ṣarf

خجندى، احمد بن محمود، -۷۰۰ قمری
xojandī, ahmad ebn-e mahmūd (- 1301)

این رساله که مختصر کتاب مفضل جندی (خجندی) می باشد در مسائل علم صرف و در یک «قاعده» و چهار «رکن» و چهار «باب»: القاعدة؛ فى الابنية؛ رکن ۱. التغييرات؛ رکن ۲. نوعی الامر؛ رکن ۳. اسماء متصل بالافعال؛ رکن ۴. لواحق الافعال؛ باب

فهرستگان نسخه های خطی ایران (فخا)؛؛ جلد بیست و پنجم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران

DIA 276263

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۲۰۱۳